

## اثر محلول پاشی سلنات سدیم بر محتوای سلنیوم دانه و برخی شاخص‌های فیزیولوژیکی

### ژنوتیپ‌های کلزا (*Brassica napus* L.)

ماندانا همتی<sup>۱</sup>، بابک دلخوش<sup>۲</sup>، امیرحسین شیرانی‌راد<sup>۳\*</sup> و قربان نورمحمدی<sup>۴</sup>

- (۱) گروه زراعت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
 (۲) استادیار گروه زراعت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
 (۳) استاد گروه زراعت، موسسه اصلاح و تهیه نهال و بذر، کرج، ایران.  
 (۴) استاد گروه زراعت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\* نویسنده مسئول: shiranirad96@gmail.com

این مقاله مستخرج از رساله دکتری می‌باشد.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۱

### چکیده

سلنیوم عنصری غیرفلزی است که با تأثیر بر رشد و نمو گیاهان و به‌خاطر حضور در سیستم‌های آنتی‌اکسیدانی، منجر به بهبود صفات رشدی و فیزیولوژیکی گیاهان می‌گردد. بدین منظور آزمایشی در قالب طرح آماری بلوک‌های کامل تصادفی به‌روش کرت‌های یک بار خرد شده با سه تکرار طی دو سال زراعی ۹۴-۱۳۹۳ و ۹۵-۱۳۹۴ در مزرعه تحقیقاتی موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج اجرا شد. محلول پاشی سلنیوم از منبع سلنات سدیم در کرت‌های اصلی در دو سطح شاهد (بدون محلول پاشی) و محلول-پاشی ۳۰ گرم در لیتر طی دو نوبت پیش از گلدهی و شش ژنوتیپ کلزای تیپ پاییزه در کرت‌های فرعی مقایسه گردید. اثر سال، محلول پاشی سلنیوم و ژنوتیپ بر محتوای پرولین برگ، کربوهیدرات محلول، محتوی رنگیزه‌های فتوسنتزی، محتوی سلنیوم و روغن دانه و عملکرد دانه معنی‌دار بودند. کاربرد سلنیوم منجر به افزایش پرولین (۶/۶۸ درصد)، کربوهیدرات (۷/۲۶ درصد)، کلروفیل a (۸/۶۵ درصد)، کلروفیل کل (۷/۰۴ درصد)، سلنیوم دانه (۷۹/۸۷ درصد)، روغن دانه (۰/۸۹ درصد) و عملکرد دانه (۸/۰۱ درصد) در مقایسه با تیمار شاهد شد. محتوای پرولین برگ در سال زراعی ۹۴-۱۳۹۳ به‌طور معنی‌دار و معادل ۳۳/۶۹ درصد بیش‌تر از سال زراعی ۹۵-۱۳۹۴ بود. بیش‌ترین محتوی روغن و عملکرد دانه در ژنوتیپ SW1۰۲ به ترتیب با میانگین ۴۳/۷ درصد و ۲۰۶۰/۶ کیلوگرم در هکتار مشاهده شد. به‌طور کلی نتایج به‌دست آمده نشان داد که کشت ژنوتیپ‌های SW1۰۲ و Elvis تحت شرایط محلول پاشی سلنیوم باعث ایجاد مطلوب‌ترین محتوی روغن و عملکرد دانه می‌گردد که قابل توصیه برای منطقه مورد آزمایش می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: پرولین، رنگیزه‌های فتوسنتزی، کربوهیدرات و عملکرد دانه.

## مقدمه

از آنجایی که بیش از ۹۰ درصد روغن مصرفی در ایران به صورت واردات تأمین می‌شود، بنابراین تولید دانه‌های روغنی در سال‌های اخیر در اولویت قرار گرفته است (مرادی‌ا قدم و همکاران، ۱۳۹۷؛ Cashin *et al.*, 2014). گیاه کلزا با دارا بودن ۴۰ الی ۴۴ درصد روغن یکی از مهم‌ترین دانه‌های روغنی خوراکی محسوب شده و پس از سویا و نخل روغنی، سومین گیاه روغنی یک ساله جهان است (Enjalbert *et al.*, 2013). کلزا بر خلاف بیش‌تر گیاهان روغنی، در فصل پاییز قابل کشت بوده و از عملکرد بالایی برخوردار است (مرادی‌ا قدم و همکاران، ۱۳۹۷). سلنیوم (Se) یک عنصر کمیاب و ضروری است که اثرات وسیعی بر سلامت انسان و صفات فیزیولوژیکی گیاهان دارد (Rayman, 2017). گرچه ضرورت سلنیوم برای گیاهان عالی هنوز به اثبات نرسیده است، با این وجود، به دلیل نقش سودمندی که در بسیاری از گونه‌های گیاهی ایفا نموده است، مورد توجه متخصصان زیست‌شناسی و کشاورزی است (El-Ramady *et al.*, 2015). مطالعات نشان داده است که سلنیوم در افزایش رشد و عملکرد گیاهان از طریق بهبود صفات فیزیولوژیکی نقش دارد (Ahmad *et al.*, 2016). پژوهشگران بیان داشتند که سلنیوم به‌طور قابل‌توجهی محتوی کلروفیل را بالا می‌برد و این افزایش در محتوی کلروفیل می‌تواند در طی افزایش محتوای کاروتنوئید باشد، زیرا کاروتنوئیدها کلروفیل را از تخریب اکسیداسیون نوری حفاظت می‌کنند (خادمی‌آستانه و همکاران، ۱۳۹۳). یوسفی‌راد و شریفی (۱۳۹۸) گزارش کردند که محلول پاشی سلنیوم منجر به افزایش عملکرد و اجزای عملکرد از طریق بهبود فرآیندهای فیزیولوژیکی از جمله فعالیت‌های آنتی-اکسیدانی و محتوی پرولین در گیاه گلرنگ شد. نتایج مشابهی در آزمایش دادنیا (۱۳۹۱) بر روی گیاه آفتابگردان روغنی نیز گزارش شده است. کلزا جزء گیاهان تجمع دهنده سلنیوم است (White *et al.*, 2004). Wang و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که استفاده از کودهای سلنیوم، منجر به تجمع بیشتر سلنیوم در دانه کلزا می‌شود. آن‌ها همچنین نشان دادند که محلول پاشی سلنیوم نسبت به کاربرد خاکی ارجحیت داشته و باعث جذب سریع‌تر و مؤثرتر سلنیوم توسط گیاه می‌شود. پایین بودن محتوای سلنیوم در بدن با کاهش قدرت باروری در مردان، افزایش خطر ابتلا به سرطان پروستات، افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های مرتبط با تیروئید (محمودیان‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲) و عملکرد ضعیف سیستم ایمنی بدن همراه است (Brigelius-Flohe, 2018). از این‌رو، وجود مقدار کافی از این عنصر در جیره غذایی روزانه (از طریق مصرف محصولات کشاورزی محتوای سلنیوم) منجر به افزایش سطح سلامت جامعه و کاهش هزینه‌های درمانی کشور خواهد شد. جذب و ذخیره سلنیوم توسط گیاهان به فرم شیمیایی، غلظت و به فاکتورهای نظیر اسیدیته، شوری و محتوی کربنات کلسیم و توانایی گیاهان وابسته است (خادمی‌آستانه و همکاران، ۱۳۹۳). با توجه به مصرف بالای روغن در کشور، حجم بالای واردات آن و اهمیت کلزا در تأمین بخشی از این نیاز، از طرف دیگر، نبود اطلاعات کافی در مورد اثر سلنیوم بر کلزا، هدف از

پژوهش حاضر، بررسی واکنش‌های فیزیولوژیکی شش ژنوتیپ کلزای پاییزه به کاربرد سلنیوم در طی دو سال زراعی می-باشد.

### مواد و روش‌ها

این پژوهش در مزرعه تحقیقاتی موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج (۳۵ درجه و ۵۹ دقیقه شمالی، ۵۰ درجه و ۷۵ دقیقه شرقی، ارتفاع ۱۳۱۳ متری از سطح دریا) طی دو سال زراعی ۱۳۹۴-۹۵ و ۱۳۹۳-۹۴ انجام شد. این آزمایش در قالب طرح آماری بلوک‌های کامل تصادفی به روش کرت‌های خرد شده با سه تکرار اجراء شد. محلول‌پاشی سلنیوم از منبع سلنات سدیم<sup>۱</sup> در غلظت‌های صفر (شاهد) و ۳۰ گرم در لیتر در هکتار طی دو نوبت پیش از گلدهی (اردیبهشت ماه) در کرت‌های اصلی و شش ژنوتیپ پاییزه کلزا در کرت‌های فرعی مقایسه شدند. اطلاعات اقلیمی محل آزمایش و مشخصات ژنوتیپ‌های مورد آزمایش در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۱: اطلاعات هواشناسی منطقه آزمایشی در طی دو سال زراعی (سازمان هواشناسی ایران)

ماه	سال زراعی ۱۳۹۲-۹۴		سال زراعی ۱۳۹۴-۹۵	
	مجموع بارش (mm)	میانگین دما (°C)	مجموع بارش (mm)	میانگین دما (°C)
مهر	۱۳/۴	۱۸/۱	۳/۵	۱۹/۴
آبان	۱۳/۷	۱۸/۲	۷۷/۴	۱۰/۵
آذر	۳۱/۶	۶/۳	۲۸/۶	۴/۶
دی	۶	۵/۲	۱۵/۶	۵/۱
بهمن	۴۷/۸	۷/۳	۸/۷	۴/۹
اسفند	۲۱/۳	۶/۷	۱۷/۸	۱۱/۸
فروردین	۴۵/۴	۱۳/۸	۷۵/۵	۱۱/۷
اردیبهشت	۲/۲	۲۰	۱۳	۱۹/۹
خرداد	۶/۶	۲۶/۴	۰	۲۴/۲
تیر	۰	۳۰/۹	۰	۲۸/۹

کاربرد کودهای اوره<sup>۲</sup>، فسفر<sup>۳</sup> و پتاس<sup>۴</sup> بر اساس آزمون خاک (جدول ۳) و بر مبنای ۱۵۰، ۷۰ و ۱۰۰ کیلوگرم در هکتار به همراه ۲/۵ لیتر در هکتار علف‌کش ترفلان به خاک اضافه و با دو دیسک سبک عمود بر هم، با خاک مخلوط گردید

1- Na<sub>2</sub>SeO<sub>4</sub>

2- (NH<sub>2</sub>)<sub>2</sub>CO

3- P<sub>2</sub>O<sub>5</sub>

4- K<sub>2</sub>O

(کودهای فسفر و پتاسیم همراه با یک سوم نیتروژن، هم‌زمان با کاشت بذر به خاک اضافه شد، و دو سوم نیتروژن باقی مانده در ابتدای مرحله گلدهی در سطح مزرعه به‌طور یکنواخت توزیع شد). سپس کرت‌های آزمایشی، به‌صورت شش خط (پشته) شش متری با فاصله ۳۰ سانتی‌متر آماده شدند. ابعاد هر کرت  $6 \times 1/8$  متر بود. در هر سال، بذر در تاریخ ۱۰ مهر به‌صورت دو ردیف و بر روی پشته‌ها (دو طرف هر پشته) و به فاصله چهار سانتی‌متر از هم و با دست کشت شدند. مقدار مصرف بذر، شش کیلوگرم در هکتار بود. بذر، قبل از کاشت غربال شدند تا از نظر اندازه یکسان باشند. به‌منظور رسیدن به تراکم بوته مناسب، در مرحله دو تا شش برگی اقدام به تنک و همچنین حذف علف‌های هرز گردید. نمونه‌برداری‌ها از چهار خط میانی انجام گرفت (دو خط کناری به‌عنوان حاشیه در نظر گرفته شدند). بین بلوک‌ها هفت متر فاصله در نظر گرفته شد. بین کرت‌های اصلی در هر بلوک  $2/4$  متر فاصله منظور گردید. آبیاری بر اساس نیاز گیاه انجام شد. نمونه‌گیری برگ‌ها به‌منظور اندازه‌گیری صفات فیزیولوژیکی در مرحله خورجین‌دهی انجام شد.

جدول ۲: مشخصات ژنوتیپ‌های مورد استفاده در آزمایش

شماره	ژنوتیپ	نوع	منشاء
۱	Ahmadi	ژنوتیپ تجاری	ایران
۲	SW102	لاین امیدبخش	ایران
۳	Okapi	ژنوتیپ تجاری	فرانسه
۴	GKH2624	ژنوتیپ تجاری	مجارستان
۵	GK-Gabriella	ژنوتیپ تجاری	مجارستان
۶	Elvis	هیبرید	فرانسه

جدول ۳: مشخصات فیزیکی و شیمیایی خاک مزرعه آزمایشی

نیتروژن کل (درصد)	پتاسیم قابل جذب (میلی‌گرم بر کیلوگرم)	فسفر قابل جذب (میلی‌گرم بر کیلوگرم)	کربن آلی (درصد)	اسیدیته	هدایت الکتریکی (دسی‌زیمنس بر متر)	رطوبت گل اشباع (درصد)	عمق نمونه‌برداری (سانتی‌متر)	بافت خاک
۰/۰۹	۱۹۷	۱۴/۷	۰/۹۱	۷/۹	۱/۴۵	۳۶	۰-۳۰	رسی لومی
۰/۰۷	۱۵۵	۱۵/۸	۰/۹۹	۷/۲	۱/۲۴	۳۸	۳۰-۶۰	

میزان پرولین برگ به روش Bates و همکاران (۱۹۷۳) صورت گرفت. بر اساس این روش،  $0/5$  گرم نمونه برگ داخل هاون با  $10$  میلی‌لیتر اسید سولفوسالسیلیک  $3$  درصد ساییده شد. از عصاره حاصل یک میلی‌لیتر برداشته شد و در لوله آزمایش ریخته شد و سپس یک میلی‌لیتر معرف ناین هیدرین و یک میلی‌لیتر اسید استیک گلاسیال به آن افزوده شد و به مدت یک ساعت در بن‌ماری ( $100$  درجه سانتی‌گراد) قرار داده شد. بعد از اضافه کردن  $4$  میلی‌لیتر تولوئن، میزان جذب در

طول موج ۵۲۰ نانومتر به وسیله دستگاه اسپکتروفتومتر (Shimadzu مدل UV-1601) قرائت و محتوی پروکلین بر اساس میکرومول در گرم وزن تر برگ با استفاده از منحنی استاندارد محاسبه گردید.

میزان کلروفیل برگ با استفاده از روش Arnon (۱۹۴۹) تعیین شد، به این ترتیب که ابتدا ۰/۵ گرم برگ تازه در یک هاون چینی واقع در ظرف یخ و در عدم حضور نور به همراه ۰/۵ گرم کربنات منیزیم ساییده شد و به تدریج حدود ۱۰ میلی لیتر استون ۸۰ درصد به آن اضافه گردید. عصاره تهیه شده به لوله آزمایش درب دار منتقل شد و به مدت ۲۰ دقیقه سانتریفیوژ (۴۰۰۰ دور در دقیقه) گردید تا عصاره یکنواختی به دست آید. سپس حدود یک میلی لیتر از این عصاره هموزن در سل های دستگاه اسپکتروفتومتر قرار داده شد و میزان جذب نمونه ها در طول موج های ۴۷۰، ۶۴۵ و ۶۶۳ نانومتر قرائت و با استفاده از رابطه های ۱، ۲، ۳ و ۴ محتوی رنگیزه های فتوسنتزی محاسبه گردید:

$$\text{Chl}_a \text{ (V/W)} = 0.0127 \times \text{OD}_{(663)} - 0.000259 \times \text{OD}_{(645)} \quad \text{رابطه ۱:}$$

$$\text{Chl}_b \text{ (V/W)} = 0.0229 \times \text{OD}_{(645)} - 0.000469 \times \text{OD}_{(663)} \quad \text{رابطه ۲:}$$

$$\text{Chl}_T \text{ (V/W)} = 0.0202 \times \text{OD}_{(645)} - 0.0080 \times \text{OD}_{(663)} \quad \text{رابطه ۳:}$$

$$\text{Carotenoides} = 100 \times \text{OD}_{(470)} - 3/27(\text{mg Chl}_a) - 104(\text{mg Chl}_b)/227 \quad \text{رابطه ۴:}$$

در رابطه های بالا،  $\text{Chl}_a$  محتوای کلروفیل a،  $\text{Chl}_b$  محتوای کلروفیل b،  $\text{Chl}_T$  محتوای کلروفیل کل، بر حسب میلی گرم در گرم وزن تر برگ، OD: میزان جذب نور در طول موج های مربوطه، V: حجم استون ۸۰ درصد استفاده شده به میلی لیتر، W: وزن تر نمونه برگ می باشد.

به منظور اندازه گیری غلظت کربوهیدرات های محلول برگ، ۱ گرم ماده خشک برگ (خشک شده در دمای ۸۰ درجه سانتیگراد به مدت ۴۸ ساعت) در ۱۵ میلی لیتر الکل اتیلیک داغ ۸۰ درصد حل شده و عصاره حاصل با استفاده از ۵ میلی لیتر سولفات روی ۵ درصد و ۴/۷ میلی لیتر هیدروکسید باریم ۰/۳ نرمال صاف گردید. پس از اضافه کردن ۱ میلی لیتر فنل ۵ درصد و ۵ میلی لیتر اسید سولفوریک غلیظ به ۲ میلی لیتر از نمونه های صاف شده، میزان جذب محلول به وسیله اسپکتروفتومتر در طول موج ۵۳۵ نانومتر اندازه گیری و غلظت کربوهیدرات با توجه به منحنی استاندارد گلوکز تعیین گردید. برای ارزیابی میزان سلنیوم دانه، ابتدا ۲۰ عدد دانه از هر تیمار برداشت و در داخل آون (دمای ۷۰ درجه سانتی-گراد) به مدت ۴۸ ساعت قرار داده شد. در مرحله بعد دانه ها در کلریدیک اسید ۶ نرمال حل شده و میزان سلنیوم دانه با استفاده از دستگاه جذب اتمی شعله ای بر اساس میلی گرم بر کیلوگرم ماده خشک تعیین شد (White, 2016).

با در نظر گرفتن اثر حاشیه‌ای، یک متر مربع از هر کرت آزمایشی برداشت و عملکرد دانه در واحد سطح محاسبه گردید. به منظور تعیین میزان روغن دانه، مقداری از بذور هر کرت آزمایشی به آزمایشگاه منتقل شدند و استخراج روغن توسط دستگاه<sup>۱</sup> NMR صورت گرفت. آنالیز واریانس به صورت تجزیه مرکب Proc GLM در نرم‌افزار SAS نسخه 9.1.3 (2003) (USA, NC, Cary, SAS Institute Inc.) انجام گرفت. در تجزیه واریانس، اثر ناشی از عامل سال تصادفی در نظر گرفته شد. مقایسات میانگین در سطح احتمال ۵ درصد با استفاده از آزمون چند دامنه‌ای دانکن صورت گرفت.

## نتایج و بحث

### پرولین برگ

نتایج تجزیه واریانس نشان داد که اثرات ناشی از عوامل سال، محلول پاشی سلنیوم و ژنوتیپ بر محتوای پرولین برگ معنی‌دار بود (جدول ۴). برهمکنش‌ها اثر معنی‌دار بر صفت ذکر شده نداشت ( $P \leq 0.05$ ). مقایسه میانگین صفات فیزیولوژیکی نشان داد که محتوای پرولین برگ در سال زراعی ۹۴-۱۳۹۳ به طور معنی‌دار و معادل ۳۳/۶۹ درصد بیش‌تر از سال زراعی ۹۵-۱۳۹۴ بود (جدول ۵). با توجه به اطلاعات هواشناسی (جدول ۲)، به نظر می‌رسد دلیل این مشاهده، مجموع بارش کم‌تر و در عین حال، متوسط درجه حرارت بالاتر ثبت شده برای فصل زراعی ۹۴-۱۳۹۳ بود، که در نتیجه منجر به تجمع بیش‌تر پرولین در برگ‌ها شد. هم‌چنین، محلول پاشی سلنیوم باعث افزایش ۶/۶۹ درصدی محتوای پرولین برگ شد. در این مطالعه محتوای پرولین برگ هنگامی که گیاهان با محلول سلنیوم اسپری شدند، افزایش یافت. مقدار پرولین برگ تحت تأثیر سلنیوم برگ پیش از این نیز گزارش شده است (Djanaguiraman *et al.*, 2005). بر اساس تحقیق Aghighi Shahverdi و همکاران (۲۰۱۷)، سلنیوم به‌عنوان یک آنتی‌اکسیدان عمل می‌کند و در نتیجه باعث افزایش پراکسیداسیون لیپید از طریق افزایش سطح گروه تیئول (ترکیباتی هستند که دارای یک گروه عاملی به شکل SH باشند) و گلوتاتیون (GSH) می‌شود. Yao و همکاران (۲۰۰۹) گزارش نمودند که افزودن سلنیوم به محیط، منجر به افزایش محتوای پرولین در برگ‌های گندم شد که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. نتایج مشابهی نیز بر روی گیاه سویا گزارش شده است (Djanaguiraman *et al.*, 2005). با این حال، مکانیسم و دلایل انباشت پرولین در گیاهان عرضه شده توسط سلنیوم به‌طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است (Hawrylak-Nowak, 2009). با وجود برخی تناقضات، تجمع پرولین آزاد از جمله تغییراتی است که برای گیاهان قرار گرفته در معرض تنش خشکی و شوری گزارش شده است (Thakur and Sharma, 2005). با توجه به نتایج این تحقیق، می‌توان بیان داشت که کاربرد سلنیوم، به دلیل افزایش معنی‌دار سطح پرولین، در افزایش مقاومت کلزا به تنش‌های خشکی و شوری موثر خواهد بود. متوسط محتوای پرولین

برگ در ارقام مطالعه شده نیز به‌طور معنی‌داری متفاوت بود، به‌طوری‌که بیش‌ترین محتوای پرولین برگ معادل  $17/52 \pm 0/85$  میکرومول بر گرم وزن تر به ژنوتیپ GK-Gabriella تعلق داشت که از نظر آماری تفاوت معنی‌دار با محتوای پرولین برگ در ارقام Okapi و GKH2624 نداشت. هم‌چنین کم‌ترین محتوای پرولین برگ معادل  $15/22 \pm 0/78$  میکرومول بر گرم وزن تر برای ژنوتیپ SW102 ثبت شد. Zhu و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که محتوای پرولین به‌طور قابل توجهی در ارقام نسبتاً مقاوم به تنش بیشتر از ارقام کم‌تر متحمل به تنش می‌باشد. بر این اساس می‌توان بیان داشت که در بین ارقام مطالعه شده، ژنوتیپ‌های GK-Gabriella، GKH2624 و Okapi دارای محتوای پرولین بیشتری از سایر ژنوتیپ‌های بود که نشان از تحمل بیش‌تر این ژنوتیپ‌ها به شرایط تنش‌زا خواهند داد.

جدول ۴: تجزیه مرکب واریانس اثر سلنیوم بر برخی صفات ژنوتیپ‌های پاییزه کلزا در طی دو سال زراعی

منبع واریانس	درجه آزادی	میانگین مربعات						ضریب تغییرات (%)	
		پرولین	کاروتنوئید	کلروفیل a	کلروفیل b	کلروفیل کل	محتوای سلنیم دانه		
سال	۱	۱۱۹۵ <sup>**</sup>	۱۱۴۳/۲ <sup>**</sup>	۰/۴۱۸ <sup>**</sup>	۰/۱۶۳ <sup>**</sup>	۱/۱۰۲ <sup>**</sup>	۰/۰۴۹ <sup>ns</sup>	۸/۷۲ <sup>**</sup>	۶۴۶۱۸۹/۳ <sup>*</sup>
تکرار درون سال	۴	۱۵/۲۹ <sup>ns</sup>	۵۰/۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۱۹ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۲ <sup>ns</sup>	۰/۰۱۴ <sup>ns</sup>	۰/۰۱۴ <sup>ns</sup>	۰/۲۹ <sup>ns</sup>	۳۶۵۸۲۶/۴ <sup>**</sup>
سلنیم	۱	۶۹/۸ <sup>*</sup>	۴۲۵/۸ <sup>*</sup>	۰/۳۷۱ <sup>*</sup>	۰/۰۰۸ <sup>ns</sup>	۰/۴۸۵ <sup>**</sup>	۸۱/۰۰۹ <sup>*</sup>	۸/۱۷ <sup>*</sup>	۱۳۵۶۹۱۸/۵ <sup>*</sup>
سال × سلنیم	۱	۰/۲۶ <sup>ns</sup>	۰/۵۰ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۲ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۳۳ <sup>ns</sup>	۰/۰۲ <sup>ns</sup>	۱۰۹۳/۵ <sup>ns</sup>
خطای a	۴	۰/۱۴۳ <sup>ns</sup>	۳/۱۹ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۲ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۲ <sup>ns</sup>	۰/۰۲۳ <sup>ns</sup>	۰/۲۸ <sup>ns</sup>	۶۳۵۶۰/۶ <sup>ns</sup>
ژنوتیپ	۵	۴۰/۲ <sup>**</sup>	۲۲۸/۲۵ <sup>**</sup>	۰/۲۲۱ <sup>**</sup>	۰/۰۰۵ <sup>*</sup>	۰/۲۹ <sup>**</sup>	۰/۰۳۶ <sup>**</sup>	۴/۲۲ <sup>**</sup>	۷۲۸۹۸۳/۱ <sup>*</sup>
سال × ژنوتیپ	۵	۰/۳۷۶ <sup>ns</sup>	۰/۱۳ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۴ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۲ <sup>ns</sup>	۵۹۹۹/۴ <sup>ns</sup>
سلنیم × ژنوتیپ	۵	۰/۱۵ <sup>ns</sup>	۱/۶۴ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۰۴ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۴ <sup>**</sup>	۰/۰۰۵ <sup>ns</sup>	۱۱۳۰/۸ <sup>ns</sup>
سال × سلنیم × ژنوتیپ	۵	۰/۰۴۶ <sup>ns</sup>	۰/۴۶۳ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۰۲ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۰۲ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۰۳ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۲ <sup>ns</sup>	۱۳۰۵/۷ <sup>ns</sup>
خطای b	۱۸۴	۱۸/۲	۱۰۲/۴	۰/۱۰۱	۰/۰۰۳	۰/۱۲۶	۰/۰۲۳	۰/۱۵	۵۱۱۹۵/۱
		۲۶/۱۷	۲۷/۱۷	۲۱/۹۵	۱۴/۵۶	۲۵/۸۷	۱۹/۶۷	۱۲/۲	۱۳/۲۸

\* و \*\* به ترتیب معنی‌دار در سطح احتمال پنج و یک درصد و ns غیر معنی‌دار.

### کربوهیدرات محلول برگ

نتایج نشان داد که عوامل سال، محلول‌پاشی، سلنیوم و ژنوتیپ بر میزان کربوهیدرات محلول برگ اثر معنی‌دار داشتند، در حالی‌که برهم‌کنش‌ها از نظر آماری معنی‌دار نبودند (جدول ۴). مقایسه میانگین‌ها نشان داد که میزان کربوهیدرات محلول برگ در سال اول آزمایش ۱۳/۱۶ درصد بیشتر از سال دوم بود. از دلایل این امر، می‌توان به تفاوت شرایط اقلیمی از نظر میزان دما و بارش در دو سال زراعی اشاره کرد. در سال زراعی ۱۳۹۳-۹۴ مجموع بارش ۱۸۸ میلی‌متر و متوسط کل

دما ۱۵/۲۹ درجه سانتیگراد بود، در حالی که در سال زراعی ۹۵-۱۳۹۴ مجموع بارش ۲۴۰/۱ میلی‌متر و متوسط کل دما ۱۴/۱ درجه سانتیگراد به دست آمد. این مشاهدات نشان می‌دهد که در سال دوم آزمایش، شرایط محیطی نسبت به سال دوم مطلوب‌تر بود (دمای کمتر و بارش بیش‌تر که تبخیر کمتر را در پی داشت) و از این‌رو، میزان کربوهیدرات‌های محلول برگ نیز در مقایسه با سال زراعی اول، پایین‌تر بود. کربوهیدرات‌های محلول در تنظیم اسمزی نقش موثری دارند (آئین، ۱۳۹۱). کربوهیدرات‌های محلول نیز نظیر پرولین‌های آزاد، در افزایش سازگاری گیاه به شرایط اقلیمی نقش دارند (Sairam and Tyagi, 2004). همبستگی محاسبه شده بین محتوای پرولین و کربوهیدرات محلول برگ (\*\* ۰/۹۲۱) این موضوع را تایید می‌کند (جدول ۵). محلول پاشی سلنیوم باعث افزایش میزان کربوهیدرات محلول برگ به مقدار ۷/۲۷ درصد شد. افزایش تجمع کربوهیدرات‌های محلول در برگ گیاهان تیمار شده با سلنیوم نشان دهنده افزایش کارایی فتوسنتز است (Turakainen et al., 2004).

جدول ۵: همبستگی پیرسون بین صفات اندازه‌گیری شده در ژنوتیپ‌های پاییزه کلزا طی دو سال زراعی

عملکرد	محتوی روغن	محتوی سلنیوم دانه	کلروفیل کل	محتوای کلروفیل b	محتوای کلروفیل a	کربوهیدرات محلول	محتوای پرولین
						۱	۰/۹۲**
					۱	-۰/۸۹**	-۰/۸۲**
				۱	۰/۶۲**	-۰/۶۰**	-۰/۶۶**
			۱	۰/۷۲**	۰/۹۹**	-۰/۸۹**	-۰/۸۴**
		۱	-۰/۰۸	-۰/۰۳	-۰/۰۸	۰/۳۵**	۰/۳۱*
	۱	۰/۳۱*	۰/۶۹**	۰/۰۸	۰/۷۵**	۰/۱۲	-۰/۵۲**
۱	۰/۴۸**	۰/۳۵*	۰/۶۷**	۰/۱۰	۰/۷۲**	۰/۱۱	-۰/۴۷**

\*\* و \* به ترتیب نشان دهنده همبستگی معنی‌دار در سطح احتمال یک و پنج درصد است.

تحقیقات پیشین نشان داده است که بین سلنیوم و تجمع کربوهیدرات‌های برگ در گیاه کاهو رابطه معنی‌داری وجود داشت (Pennanen et al., 2002). اثرات سودمند سلنیوم بر متابولیسم کربوهیدرات و رشد گیاهان اخیراً توسط محققان مختلف گزارش شده است (Manpreet et al., 2018). این گزارش‌ها نشان می‌دهند که سطح بالای کربوهیدرات‌های محلول نقش موثری در کاهش تنش‌های محیطی ناشی از خشک‌سالی دارد. همان‌گونه که Yao و همکاران (۲۰۰۹) گزارش نموده‌اند، اثر مفید سلنیوم به‌طور عمده به افزایش کمیت و فعالیت ترکیبات آنتی‌اکسیدانی نسبت داده شده است. از این‌رو، با توجه به نتایج تحقیق حاضر، می‌توان بیان داشت که کاربرد سلنیوم، به دلیل افزایش معنی‌دار سطح



کربوهیدرات‌های محلول برگ، احتمالاً در افزایش مقاومت کلزا به تنش خشکی موثر است. با این وجود، مکانیسم افزایش کربوهیدرات‌های محلول در برگ تحت تاثیر سلنیوم هنوز به درستی تبیین نشده است. در بین ارقام مطالعه شده، بیشترین میزان کربوهیدرات محلول برگ با  $40/18 \pm 1/82$  میلی‌گرم در گرم وزن تر به ژنوتیپ GK-Gabriella تعلق داشت. همچنین کمترین میزان کربوهیدرات محلول برگ به مقدار  $34/65 \pm 1/63$  میلی‌گرم در گرم وزن تر برای ژنوتیپ SW102 ثبت شد (جدول ۵). این یافته نشان داد که ژنوتیپ GK-Gabriella در مقایسه با سایر ژنوتیپ‌های مورد مطالعه، سازگاری بهتری در برابر شرایط نامساعد محیطی داشت.

### رنگدانه‌های فتوسنتزی (کلروفیل a, b و کل)

عوامل سال، محلول‌پاشی، سلنیوم و ژنوتیپ بر صفات محتوای کلروفیل a و کلروفیل کل برگ اثر معنی‌دار داشتند ( $P \leq 0/05$ ). اگرچه محتوای کلروفیل b در بین ژنوتیپ و سال‌های مختلف از نظر آماری متفاوت بود، اما به محلول‌پاشی سلنیوم پاسخ معنی‌دار نشان نداد. برهمکنش‌های محاسبه شده، اثر معنی‌دار بر محتوای کلروفیل برگ نداشتند (جدول ۴). مقایسه میانگین‌ها نشان داد که محتوای کلروفیل a، کلروفیل b و کلروفیل کل برگ در سال دوم آزمایش به ترتیب  $8/65$ ،  $14/63$  و  $9/72$  درصد نسبت به سال اول آزمایش بیش‌تر بود. دلیل این تفاوت، شرایط مطلوب‌تر از نظر متوسط درجه حرارت ثبت شده و میزان بارش برای فصل زراعی ۹۵-۱۳۹۴ بود (جدول ۲). هم‌چنین، محلول‌پاشی سلنیوم به‌طور عمومی منجر به افزایش محتوای کلروفیل شد. افزایش کلروفیل در کلزا به دلیل جذب و تحلیل مقدار بیش‌تر گوگرد در این گیاه می‌تواند باشد (مجیدیان، ۱۳۹۳). شباهت ساختاری بین گوگرد و سلنیم باعث شده است که جذب سلنیوم و اتصال آن به ترکیبات آلی از طریق مسیرهای مربوط به گوگرد انجام گیرد و در نتیجه این گیاه، پاسخ بیشتری به سلنیوم افزوده شده به محیط رشد در مقایسه با دیگر تیره‌ها از جمله گندمیان و تیره نخود نشان دهد. خوشه‌های آهن - گوگرد در کلروپلاست‌ها نقش حیاتی را برای عملکرد کمپلکس سیتوکروم B/F ایفا می‌کنند (Raven *et al.*, 1999). از سوی دیگر، تشکیل خوشه‌های آهن - گوگرد ممکن است تحت مکمل‌های سلنیوم رخ دهد که نقش مهمی در زنجیره انتقال الکترون، ظهور و خاموش شدن گونه‌های اکسیژن‌واکنشی و پاسخ‌های آنتی‌اکسیدان‌ها در گیاهان تحت تاثیر دارد (Feng *et al.*, 2013). با این وجود که افزودن سطوح مناسب سلنیوم می‌تواند محتوای کلروفیل را افزایش دهد اما سطوح بالاتر سلنیوم اثرات استرس‌زایی داشته و منجر به از دست دادن محتوای کلروفیل شده است (Chen *et al.*, 2005). منابع مختلف افزایش محتوای کلروفیل برگ تحت تاثیر سلنیوم را تایید کرده است. اخیراً، مطابق با نتایج این مطالعه، Mozafariyan و همکاران (۲۰۱۷) گزارش کردند که محتوای کلروفیل برگ‌های گوجه‌فرنگی<sup>۱</sup> که به‌صورت هیدروپونیک کشت شده و با محلول هفت

1- *Lycopersicum esculentum* L.

و ۱۰ میکرومولار سلنیوم تغذیه شدند، افزایش یافت، در حالی که Feng و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند که تحت شرایط تنش، افزودن سلنیوم باعث تولید بیش از حد گونه‌های اکسیژن واکنشی در گیاهان می‌شود. در بین ژنوتیپ‌های مطالعه شده، بیش‌ترین محتوای کلروفیل a برگ با  $1/08 \pm 0/05$  میلی‌گرم در گرم وزن تر به ژنوتیپ SW102 تعلق داشت که از نظر آماری تفاوت معنی‌داری با محتوای کلروفیل a برگ در ژنوتیپ Elvis نشان نداد. همچنین کم‌ترین محتوای کلروفیل a برگ برای ژنوتیپ GK-Gabriella ثبت شد ( $0/91 \pm 0/05$  میلی‌گرم در گرم وزن تر). بیش‌ترین محتوای کلروفیل b برگ به ژنوتیپ‌های SW102، Elvis و Ahmadi تعلق داشت، در حالی که کم‌ترین محتوای کلروفیل b برگ در ژنوتیپ‌های Okapi، GK-Gabriella و GKH2624 مشاهده شد. همچنین، بیش‌ترین محتوای کلروفیل کل برگ با  $1/47 \pm 0/06$  میلی‌گرم در گرم وزن تر به ژنوتیپ SW102 تعلق داشت که از نظر آماری تفاوت معنی‌داری با محتوای کلروفیل کل برگ در ژنوتیپ Elvis نشان نداد. کمترین محتوای کلروفیل کل برگ برای ژنوتیپ GK-Gabriella ثبت شد ( $1/27 \pm 0/06$  میلی‌گرم در گرم وزن تر) (جدول ۶).

#### سلنیوم دانه

بر اساس نتایج تجزیه واریانس، اثرات اصلی ناشی از محلول پاشی سلنیوم، ژنوتیپ و برهم‌کنش آن‌ها بر محتوای سلنیوم دانه معنی‌دار بود ( $P \leq 0/05$ ). با این وجود، اثر سایر برهم‌کنش‌های محاسبه شده از نظر آماری بر این صفت معنی‌دار نبودند (جدول ۴). مقایسه میانگین صفت محتوای سلنیوم دانه تحت اثر عوامل اصلی نشان داد که اگرچه محتوای سلنیوم دانه در سال دوم آزمایش در حدود ۳/۳۰ درصد نسبت به سال اول آزمایش کمتر بود، با این وجود اختلاف یاد شده از نظر آماری معنی‌دار نبود (جدول ۶). بیش‌ترین محتوای سلنیوم دانه با  $0/96 \pm 0/11$  میکروگرم در گرم وزن دانه به ژنوتیپ SW102 تعلق داشت که از نظر آماری تفاوت معنی‌داری با محتوای سلنیوم دانه در ژنوتیپ‌های Elvis و GK-Gabriella نشان نداد. همچنین کم‌ترین محتوای سلنیوم دانه برای ژنوتیپ‌های GKH2624 و Ahmadi ثبت شد (جدول ۶). شکل ۱ مقایسه میانگین محتوای سلنیوم دانه تحت اثر برهم‌کنش محلول پاشی سلنیوم در ژنوتیپ را نشان می‌دهد. بیشترین مقدار این صفت برای ژنوتیپ‌های SW102، Okapi، GK-Gabriella و Elvis تحت تیمار محلول پاشی سلنیوم ثبت شد در حالی که بدون محلول پاشی، تمامی ژنوتیپ‌های مطالعه شده کمترین مقدار را نشان دادند. نتایج نشان داد که محلول پاشی سلنیوم محتوای این عنصر در دانه را به‌طور چشم‌گیری افزایش داد. به‌طور کلی برای تمامی ژنوتیپ‌های مورد مطالعه، محلول پاشی سلنیوم به‌طور متوسط باعث افزایش ۳۹۵/۳۱ درصدی محتوای سلنیوم دانه گردید (شکل ۱). از آنجا که کلزا از جمله گیاهانی است که مقادیر بالایی سلنیوم را در بافت‌ها و دانه خود تجمع می‌دهد، نتایج این تحقیق نشان داد که جذب سلنیوم از طریق محلول پاشی به‌خوبی صورت گرفته است.

## روغن دانه

نتایج نشان داد اثر سال، محلول پاشی سلینیوم و ژنوتیپ بر میزان روغن دانه معنی دار بودند. برهمکنش‌های محاسبه شده اثر معنی داری بر صفت مورد بررسی نداشتند ( $P \leq 0.05$ ) (جدول ۴). به طور کلی میزان روغن دانه در سال دوم آزمایش به مقدار ۰/۹۲ درصد نسبت به سال اول بیشتر بود. محلول پاشی سلینیوم در مقایسه با عدم محلول پاشی، باعث افزایش صفت میزان روغن دانه به میزان ۰/۸۹ درصد گردید. بررسی متوسط میزان روغن دانه در ارقام مطالعه شده نشان داد که ژنوتیپ SW۱۰۲ با متوسط ۴۳/۷۷ درصد بیشترین میزان روغن دانه را نشان داد که از نظر آماری با میزان روغن دانه در ژنوتیپ Elvis تفاوت معنی داری نداشت. همچنین کمترین مقدار صفت مورد اشاره به ارقام GK-Gabriella، GK۲۶۲۴ و GK۲۶۲۴ و Okapi تعلق داشت (جدول ۶). گیاهانی که سلینیوم دریافت کرده بودند به دلیل اثر مثبت سلینیوم در کاهش اثرات مؤثر آن، از جمله دارا بودن خاصیت آنتی‌اکسیدانی، گیاهان از رشد و تولید بهتری برخوردار بودند که در نتیجه درصد روغن بالاتری داشتند. این نتیجه در جدول همبستگی ساده نیز مشاهده شد (جدول ۵).

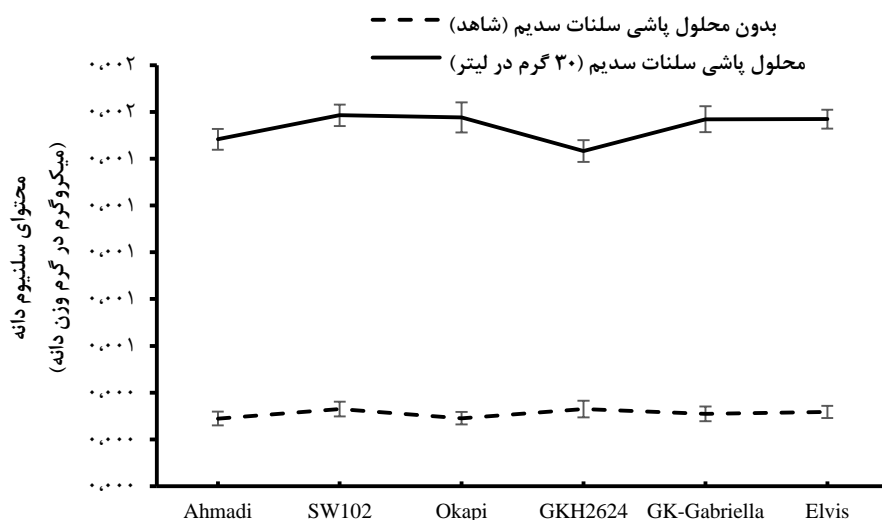
جدول ۶: مقایسه میانگین  $\pm$  انحراف استاندارد صفات اندازه‌گیری شده در ژنوتیپ‌های پاییزه کلزا تحت اثرات ناشی از سال، محلول پاشی سلینیوم و ژنوتیپ

عامل	سطوح عامل	پرویلین برگ (میکرومول بر گرم وزن تر)	کربوهیدرات محلول برگ (میلی‌گرم بر گرم وزن تر)	کلروفیل		کلروفیل a (میلی‌گرم بر گرم وزن تر)	کلروفیل b (میلی‌گرم بر گرم وزن تر)	کلروفیل کل (میلی‌گرم بر گرم وزن تر)	سلینیوم دانه (میلی‌گرم بر وزن خشک)	عملکرد دانه (کیلوگرم در هکتار)
				کلروفیل a (میلی‌گرم بر گرم وزن تر)	کلروفیل b (میلی‌گرم بر گرم وزن تر)					
سال	سال ۱	۱۸/۶ <sup>a</sup>	۳۹/۵ <sup>a</sup>	۰/۹۵ <sup>b</sup>	۰/۳۵ <sup>b</sup>	۱/۳ <sup>b</sup>	۰/۹۴ <sup>a</sup>	۴۳/۱۸ <sup>b</sup>	۱۷۲۵/۰۹ <sup>b</sup>	
	سال ۲	۱۳/۹ <sup>b</sup>	۳۴/۹ <sup>b</sup>	۱/۰۴ <sup>a</sup>	۰/۴۱ <sup>a</sup>	۱/۴۴ <sup>a</sup>	۰/۹۱ <sup>a</sup>	۴۳/۵۸ <sup>a</sup>	۲۰۷۱/۰۳ <sup>a</sup>	
تولید کل	شاهد	۱۵/۷ <sup>b</sup>	۳۵/۸ <sup>b</sup>	۰/۹۵ <sup>b</sup>	۰/۳۷ <sup>a</sup>	۱/۳۲ <sup>b</sup>	۰/۳۱ <sup>b</sup>	۴۳/۱۸ <sup>b</sup>	۱۸۱۸۷۸ <sup>b</sup>	
	محلول پاشی	۱۶/۹ <sup>a</sup>	۳۸/۶ <sup>a</sup>	۱/۰۴ <sup>a</sup>	۰/۳۸ <sup>a</sup>	۱/۴۲ <sup>a</sup>	۱/۵۴ <sup>a</sup>	۴۳/۵۷ <sup>a</sup>	۱۹۷۷/۳۵ <sup>a</sup>	
تولید کل	Ahmadi	۱۵/۶۳ <sup>b</sup>	۳۵/۴ <sup>c</sup>	۱/۰۴ <sup>b</sup>	۰/۳۹ <sup>a</sup>	۱/۴۳ <sup>b</sup>	۰/۸۹ <sup>c</sup>	۴۳/۵۷ <sup>b</sup>	۱۹۷۰/۰۶ <sup>b</sup>	
	SW۱۰۲	۱۵/۲۳ <sup>c</sup>	۳۴/۶ <sup>e</sup>	۱/۰۸ <sup>a</sup>	۰/۳۹ <sup>a</sup>	۱/۴۷ <sup>a</sup>	۰/۹۶ <sup>a</sup>	۴۳/۷۷ <sup>a</sup>	۲۰۶۰/۶۷ <sup>a</sup>	
	Okapi	۱۷/۱۶ <sup>a</sup>	۳۹/۱ <sup>b</sup>	۰/۹۳ <sup>c</sup>	۰/۳۷ <sup>bc</sup>	۱/۳ <sup>c</sup>	۰/۹۳ <sup>b</sup>	۴۳/۱۲ <sup>c</sup>	۱۷۸۶/۳۹ <sup>c</sup>	
	GKH۲۶۲۴	۱۷/۱۷ <sup>a</sup>	۳۹/۱ <sup>b</sup>	۰/۹۳ <sup>c</sup>	۰/۳۷ <sup>bc</sup>	۱/۳ <sup>c</sup>	۰/۸۸ <sup>c</sup>	۴۳/۱۱ <sup>c</sup>	۱۷۸۹/۴۴ <sup>c</sup>	
	GK-Gabriella	۱۷/۵۳ <sup>a</sup>	۴۰/۱ <sup>a</sup>	۰/۹۱ <sup>d</sup>	۰/۳۶ <sup>c</sup>	۱/۲۷ <sup>d</sup>	۰/۹۴ <sup>ab</sup>	۴۲/۹۹ <sup>c</sup>	۱۷۴۰/۳۹ <sup>d</sup>	
	Elvis	۱۵/۳ <sup>bc</sup>	۳۴/۸ <sup>d</sup>	۱/۰۷ <sup>a</sup>	۰/۳۹ <sup>a</sup>	۱/۴۶ <sup>a</sup>	۰/۹۴ <sup>ab</sup>	۴۳/۷۱ <sup>ab</sup>	۲۰۴۱/۲۳ <sup>a</sup>	

حروف غیر یکسان نشان دهنده اختلاف آماری معنی دار براساس آزمون چند دامنه‌ای دانکن در سطح احتمال پنج درصد است.

## عملکرد دانه

اثرات عوامل سال، محلول پاشی سلنیوم و ژنوتیپ بر عملکرد دانه معنی‌دار بود (جدول ۴). مقایسه میانگین اثر عوامل اصلی نشان داد که عملکرد دانه ژنوتیپ‌ها در سال دوم آزمایش (۴۷۲۰/۷۳ کیلوگرم در هکتار) نسبت به سال اول (۳۹۶۴/۱۱ کیلوگرم در هکتار) به مقدار ۱۶/۰۳ درصد افزایش داشته است. محلول پاشی سلنیوم در مقایسه با عدم محلول-پاشی، باعث افزایش عملکرد دانه به میزان ۷/۲۷ درصد شد. بررسی متوسط عملکرد دانه در ژنوتیپ‌های مطالعه شده نشان داد که ژنوتیپ SW102 با متوسط ۴۶۷۴/۵ کیلوگرم در هکتار، بیشترین عملکرد دانه را نشان داد، در حالی که کمترین مقدار صفت مورد اشاره به ژنوتیپ GK-Gabriella با ۴۰۰۹/۵ کیلوگرم در هکتار تعلق داشت (جدول ۶). بررسی نتایج همبستگی ساده بین صفات نشان داد که عملکرد دانه با محتوای کلروفیل a، کلروفیل کل، محتوای سلنیوم و محتوای روغن دانه همبستگی مثبت و با محتوای پرولین همبستگی منفی و معنی‌دار داشت (جدول ۵). پژوهشگران بیان داشتند که محلول پاشی سلنیوم احتمالاً از طریق بهبود صفات فیزیولوژیکی منجر به بهبود صفات عملکردی می‌گردد (Aghighi et al., 2018). شواهد این بررسی پیشنهاد می‌کند که محلول پاشی سلنیوم، موجب افزایش عملکرد دانه در گیاه کلزا می‌شود. همچنین محلول پاشی سلنیوم، موجب افزایش مقدار سلنیوم در دانه و در نتیجه روغن استحصال شده از آن شد (Hashem et al., 2013).



شکل ۱: مقایسه میانگین محتوای سلنیوم دانه تحت اثر برهمکنش محلول پاشی سلنیوم در ژنوتیپ به روش آزمون چند

دامنه‌ای دانکن ( $\alpha=0/05$ )

حروف غیر یکسان نشان دهنده اختلاف آماری معنی‌دار است.

## نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که محلول پاشی سلنیوم طی دو نوبت پیش از گل دهی، با بهبود صفات فیزیولوژیکی از جمله محتوای پرولین، کربوهیدرات کل و رنگیزه‌های فتوسنتزی منجر به افزایش عملکرد دانه و میزان روغن دانه شد. از طرف دیگر محلول پاشی این عنصر ۳۰ گرم در لیتر از منبع سلنات سدیم باعث افزایش میزان سلنیوم دانه شد از آنجا که سلنیوم عنصری ضروری برای دام و انسان است، غنی سازی فرآورده‌های گیاهی با سلنیوم می‌تواند منجر به افزایش کیفیت تغذیه‌ای محصولات کشاورزی با هدف بهبود و ارتقای تغذیه در انسان گردد. در بین ژنوتیپ‌های مورد مطالعه، SW۱۰۲ و Elvis دارای بیشترین محتوای روغن و عملکرد دانه در مقایسه با سایر ژنوتیپ‌ها بودند. به‌طور کلی، محلول پاشی سلنیوم به میزان ۳۰ گرم در لیتر در کشت ژنوتیپ‌های SW۱۰۲ و Elvis برای منطقه مورد آزمایش قابل توصیه می‌باشد.

## منابع

- آئین، ا. ۱۳۹۱. تغییرات میزان پرولین، کربوهیدرات‌های محلول و جذب عناصر پتاسیم، روی و کلسیم در ژنوتیپ‌های کنجد (*Sesamum indicum* L.) تحت تنش خشکی، تولید گیاهان زراعی در شرایط تنش‌های محیطی. ۴: ۳۹-۴۸.
- خادمی آستانه، ر.، طباطبایی، س.ج. و بلندنظر، ص. ۱۳۹۳. تأثیر غلظت‌های مختلف سلنیوم بر عملکرد و ویژگی‌های فیزیولوژیکی کلم تکمه‌ای (*Brassica oleracea* var. *Gemmifera*)، نشریه علوم باغبانی. ۲۸ (۴): ۵۴۳-۵۳۵.
- دادنیا، م. ر. ۱۳۹۱. بررسی اثر تنش کمبود آب و محلول پاشی سلنیوم بر فعالیت برخی از آنزیم‌های آنتی‌اکسیدانت در ارقام آفتابگردان روغنی، فصلنامه علمی پژوهشی فیزیولوژی گیاهان زراعی. ۱۴ (۴): ۸۱-۷۱.
- محمودیان فرد، س.، وفا، م.، گل‌گیری، ف.، خوش‌نیت نیکو، م.، گوهری، م. و جلالی، م. ۱۳۹۲. اثرات مکمل یاری روی و سلنیوم بر عملکرد تیروئیدی در زنان مبتلا به کم‌کاری تیروئید دارای اضافه وزن یا چاقی. مجله علوم پزشکی رازی. ۲۰: ۹۸-۸۶.
- مجیدیان، م. ۱۳۹۳. تأثیر روی، بر و گوگرد بر میزان روغن دانه، عملکرد و فعالیت برخی آنزیم‌های آنتی‌اکسیدانتی در کلزا. نشریه پژوهش‌های تولید گیاهی. ۲۱ (۳): ۱۵۲-۱۳۵.
- مرادی‌اقدم، ا.، سیف‌زاده، س.، شیرانی‌راد، ا.، ولدآبادی، س.ع. و ذاکرین، ح.ر. ۱۳۹۷. اثر قطع آبیاری بر خصوصیات فیزیولوژیکی و عملکرد دانه ارقام کلزا تحت تاریخ‌های مختلف کاشت. فصلنامه علمی پژوهشی فیزیولوژی گیاهان زراعی. ۳۸ (۱۰): ۷۶-۵۹.

یوسفی‌راد، م. و شریفی، م. ۱۳۹۸. اثر محلول پاشی اسید سالسیلیک و سلنیوم بر ویژگی‌های فیزیولوژیک و زراعی

گلرنگ در شرایط تنش خشکی. فصلنامه علمی پژوهشی فیزیولوژی گیاهان زراعی. ۴۱ (۱۱): ۴۶-۲۹.

**Aghighi Shahverdi, M., Omidi, H. and Tabatabaei, S. J. 2017.** Effect of nutri-priming on germination indices and physiological characteristics of stevia seedling under salinity stress. *Journal of Seed Science* 39(4): 1-10.

**Aghighi Shahverdi, M., Omidi, H. and Tabatabaei, S.J. 2018.** Plant growth and steviol glycosides as affected by foliar application of selenium, boron, and iron under NaCl stress in *Stevia rebaudiana* Bertoni. *Industrial and Crop Productions* 125: 408-415.

**Ahmad, R., Waraich, E. A., Nawaz, F., Ashraf, M. Y. and Khalid, M. 2016.** Selenium (Se) improves drought tolerance in crop plants—a myth or fact? *Journal of the Science of Food and Agriculture* 96: 372-380.

**Arnon, D. I. 1949.** Copper enzymes in isolated chloroplasts. Polyphenoloxidase in *Beta vulgaris*. *Plant Physiology* 24: 1-15.

**Bates, L., Waldren, R. and Teare, I. 1973.** Rapid determination of free proline for water-stress studies. *Plant and Soil* 39: 205-207.

**Brigelius-Flohe, R. 2018.** Selenium in human health and disease: An overview. in "Selenium" (B. Michalke, ed.), pp. 3-26. Springer International Publishing, Cham.

**Cashin, P., Mohaddes, K., Raissi, M. and Raissi, M. 2014.** The differential effects of oil demand and supply shocks on the global economy. *Energy Economics* 44: 113-134.

**Chen, T. F., Zheng, W. J., Luo, Y., Yang, F., Bai, Y. and Tu, F. 2005.** Effects of selenium stress on photosynthetic pigment contents and growth of *Chlorella vulgaris*. *Journal of Plant Physiology and Molecular Biology* 31: 369-373.

**Djanaguiraman, M., Devi, D. D., Shanker, A. K., Sheeba, J. A. and Bangarusamy, U. 2005.** Selenium—an antioxidative protectant in soybean during senescence. *Plant and Soil* 272: 77-86.

**El-Ramady, H., Abdalla, N., Alshaal, T., El-Henawy, A., Faizy, S. E. D. A., Shams, M. S., Shalaby, T., Bayoumi, Y., Elhawat, N., Shehata, S., Sztrik, A., Prokisch, J., Fari, M., Pilon-Smits, E. A. and Domokos-Szabolcsy, E. 2015.** Selenium and its role in higher plants. In "Pollutants in Buildings, Water and Living Organisms" (E. Lichtfouse, J. Schwarzbauer and D. Robert, eds.), pp. 235-296. Springer International Publishing, Cham.

**Enjalbert, J. N., Zheng, S., Johnson, J. J., Mullen, J. L., Byrne, P. F. and McKay, J.K. 2013.** Brassicaceae germplasm diversity for agronomic and seed quality traits under drought stress. *Industrial Crops and Products* 47: 176-185.

**Feng, R., Wei, C. and Tu, S. 2013.** The roles of selenium in protecting plants against abiotic stresses. *Environmental and Experimental Botany* 87: 58-68.

**Hashem, H. A., Hassanein, R. A., Bekheta, M. A. and El-Kady, F. A. 2013.** Protective role of selenium in canola (*Brassica napus* L.) plant subjected to salt stress. Egyptian Journal of Experimental Biology 9 (2): 199-211.

**Hawrylak-Nowak, B. 2009.** Beneficial Effects of exogenous selenium in cucumber seedlings subjected to salt stress. Biological Trace Element Research 132: 259-269.

**Manpreet, K., Sucheta, S. and Dhanwinder, S. 2018.** Influence of selenium on carbohydrate accumulation in developing wheat grains. Communications in Soil Science and Plant Analysis 49: 1650-1659.

**Mozafariyan, M., Pessarakli, M. and Saghafi, K. 2017.** Effects of selenium on some morphological and physiological traits of tomato plants grown under hydroponic condition. Journal of Plant Nutrition 40: 139-144.

**Pennanen, A., Xue, T. and Hartikainen, H. 2002.** Protective role of selenium in plant subjected to severe UV irradiation stress. Journal of Applied Botany 76: 66-76.

**Raven, J. A., Evans, M. C. and Korb, R. E. 1999.** The role of trace metals in photosynthetic electron transport in O<sub>2</sub>-evolving organisms. Photosynthesis Research 60: 111-150.

**Rayman, M. 2017.** P6 - Selenium Intake And Status In Health & Disease. Free Radical Biology and Medicine 112: 5.

**Sairam, R.K. and Tyagi, A. 2004.** Physiology and molecular biology of salinity stress tolerance in plants. Current Science 86: 407- 421.

**Thakur, M. and Sharma, A. D. 2005.** Salt-stress-induced proline accumulation in germinating embryos: evidence suggesting a role of proline in seed germination. Journal of Arid Environments 62: 517-523.

**Turakainen, M., Hartikainen, H. and Seppanen, M. M. 2004.** Effects of selenium treatments on potato (*Solanum tuberosum* L.) growth and concentrations of soluble sugars and starch. Journal of Agricultural and Food Chemistry 52: 5378-5382.

**Wang, Q., Yu, Y., Li, J., Wan, Y., Huang, Q., Guo, Y. and Li, H. 2017.** Effects of different forms of selenium fertilizers on Se accumulation, distribution, and residual effect in winter wheat-summer maize rotation system. Journal of Agricultural and Food Chemistry 65: 1116-1123.

**White, P. J., 2016.** Selenium accumulation by plants. Annals of Botany 117: 217-235.

**White, P., Bowen, H., Parmaguru, P., Fritz, M., Spracklen, W., Spiby, R., Meacham, M., Mead, A., Harriman, M. and Trueman, L. 2004.** Interactions between selenium and sulphur nutrition in *Arabidopsis thaliana*. Journal of Experimental Botany 55: 1927-1937.

**Yao, X., Chu, J. and Wang, G. 2009.** Effects of selenium on wheat seedlings under drought stress. Biological Trace Element Research 130: 283-290.

---

**Zhu, J., Bie, Z. and Li, Y. 2008.** Physiological and growth responses of two different salt-sensitive cucumber cultivars to NaCl stress. *Soil Science and Plant Nutrition* 54: 400–407.



## Effect of sodium selenate spraying on seed selenium content and some physiological indices of rapeseed genotypes (*Brassica napus* L.)

M. Hemmati<sup>1</sup>, B. Delkhosh<sup>2</sup>, A. H. Shirani-rad<sup>3\*</sup> and Gh. Noor Mohammadi<sup>4</sup>

1) Department of Agronomy, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2) Assistant of Department of Agronomy, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3) Professor of Department of Agronomy, Seed and Plant Improvement Institute, Karaj, Iran.

4) Professor of Department of Agronomy, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

\*Corresponding author: shiranirad96@gmail.com

This article is extracted from a Ph.D thesis.

Received date: 2019.03.12

Accepted date: 2019.07.22

### Abstract

Selenium is a non-metallic element that improves the growth and physiological traits of plants by affecting the plant growth and the presence in antioxidant systems. For this purpose, an experiment was conducted in a randomized complete blocks design with split plot design with three replications during two cropping years 2013-94 and 2014-95 at research farm of Karaj Seed and Plant Improvement Research Institute. Foliar application of selenium (from selenate sodium source) in main plots in two levels control (no foliar application) and 30 gram per liter foliar application in two pre-flowering stages and six autumn type rapeseed genotypes in sub-plots were compared. The effect of year, foliar application and genotype on leaf proline content, soluble carbohydrate, photosynthetic pigments content, selenium content and seed oil and grain yield were significant. Selenium application increased proline (68.6 percent), carbohydrate (26.7 percent), chlorophyll a (65.8 percent), total chlorophyll (04.7 percent), grain selenium 87.79 percent, seed oil (89 .0 percent) and grain yield (01.8 percent) were compared with control treatment. In 2013- 2014 cropping year, the proline content of leaf was significantly higher and equal to 33.69 percent higher than in 2014- 2015. The highest oil content and grain yield were observed in 102SW genotype with average of 7.43 percent and 6.2060 kilogram per hectare, respectively. In general, the obtained results showed that cultivation of 102SW and Elvis genotypes under selenium foliar application conditions, resulted in optimum oil content and grain yield, which is recommended for the study area.

**Keywords:** Proline, Photosynthetic pigments, Carbohydrate and Grain yield.